یادداشت روز

آمریکا و کوزه‌های شکسته!

کم نیستند مواردی که آمریکا و به طور کلی غرب در مواجهه با جمهوری اسلامی به یأس رسیده‌اند این در حالی است که پیش از رسیدن به این نقطه، همه تلاش‌های خود را برای تحقق آنچه اراده کرده بودند، به کار بستند. این یک کلید رمز به حساب می‌آید یعنی ما می‌توانیم به کاربست شیوه‌هایی، دشمنان خود را در نقطه‌ای که هم‌اینک «پاشنه آشیل» جمهوری اسلامی به حساب می‌آورند را در آخرین هدف‌گذاری خود نیز «مأیوس» گردانیم.

می‌توانیم مواردی از آنچه دشمنان به یأس رسیده و اقدامات سابق علیه ما را تا حد زیادی کنار گذاشته‌اند را فهرست نماییم؛ آمریکایی‌ها در یک زمانی روی کودتای نظامی و شـــبه‌نظامی و کودتای ترکیبی به عنوان راه از میان برداشتن جمهوری اسلامی حساب باز کرده بودند و چندین کودتا را به اجرا گذاشتند و بعد از شکست در همه آنها، از این شیوه منصرف شدند.

یک زمانی آمریکایی‌ها روی «تهاجم مستقیم» یا «تهاجم نیابتی» نظامی در مواجهه با انقلاب اسلامی حساب ویژه‌ای باز کرده بودند و مواردی از آن را شامل جنگ ۸ ساله و حمله به سکوهای نفتی ایران به اجرا گذاشتند اما حدود ده سال پس از کاربست این روش، به یأس رسیده و این نوع اقدامات را کنار گذاشتند.

آمریکایی‌ها در یک مقطع روی درگیری‌های قومی و اقدامات تجزیه‌طلبانه به منظور فروپاشی درونی کشور و بی‌اعتبارسازی نظام جمهوری اسلامی حساب ویژه‌ای باز کرده بودند و به شکل‌دهی و حمایت از انواعی از گروه‌های با ظاهر قومی چپ و راست روی آوردند اما حدود ده سال بعد که به یکپارچگی کشور و عدم امکان خلل در آن پی بردند، از استفاده از این روش تا حد زیادی قطع امید کردند.

آمریکایی‌ها یک زمان روی شکل‌دهی به جریانات شبه‌مذهبی و یا استفاده از جریانات معارض مذهبی برای مقابله ایدئولوژیک علیه جمهوری اسلامی توجه ویژه‌ای معطوف نمودند و هزینه‌های سنگینی برای آن متحمل شدند. بر این اساس، شبکه‌های تلویزیونی زیادی با ظاهر مذهبی و مدیریت فلان شخصیت روحانی راه افتادند ولی یک دهه بعد متوجه شدند جمهوری اسلامی مذهبی‌تر از آن است که مذهبی‌نماها بتوانند بر آن خللی وارد کنند. راهپیمایی اربعین هواداران مذهبی جمهوری اسلامی در واقع باطل‌السحر استفاده از نماها و نمادهای مذهبی علیه جمهوری اسلامی بود و لذا آمریکایی‌ها استفاده از این روش را نیز کنار گذاشتند.

یک زمانی آمریکایی‌ها روی تحریک بعضی شخصیت‌های سیاسی و مذهبی قدرت‌طلب که چشم به تصاحب مناصب جمهوری اسلامی داشتند و دیرزمانی هم بر آن تکیه زده بودند، حساب ویژه‌ای باز کردند و به طور علنی و در بالاترین ســـطح هم به حمایت از آنان پرداختند اما یکی ـ دو سال بعد متوجه بی‌فایده بودن این روش شده و از آن دست کشیدند و امروز از مشابهان آنان هم حمایتی نمی‌کنند و برای آنان تأثیری تعیین‌کننده قایل نیستند.

یک زمان آمریکایی‌ها روی شـــبکه‌ای از روشنفکران داخلی که خصیصه اصلی‌شـــان غرب‌زدگی بود و در چهار بخش دانشـــگاه‌ها، رسانه‌ها، احزاب و گروه‌ها و هنرمندان بطور گسترده فعالیت می‌کردند، متمرکز شده و آینده را از آن آنـــان ارزیابی کردند. برای مثال راجر کوپر که در ایران فعالیت می‌کرد و به جرم جاسوسی دستگیر شد، یک زمانی تصویری از تعدادی این روشنفکرها را به سرویس انگلیس منعکس کرده و در نامه پیوست نوشته بود اینها حکمرانی را از روحانیت بازپس می‌گیرند. اما حدود ۵ سال پس از آنکه این قشر میدان‌دار دولت آقای خاتمی شدند و در نهایت در برابر انقلاب اسلامی، قافیه را باخته و به حاشیه رفتند، آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها از محور شدن آنان مأیوس گردیده و از این روش نیز چشم پوشیدند.

یک زمانی در اواسط دهه ۱۳۷۰ آمریکایی‌ها روی نارضایتی کارگران و معلمان به عنوان دو قشر که بخش‌های بزرگی از جمعیت ایران را دربر دارند، حساب باز کرده بودند و به تحریک آنان می‌پرداختند اما وقتی با بی‌اعتنایی این دو قشر زحمتکش مواجه شدند، مأیوس گردیده و تا حد زیادی کنار کشیدند.

در همین سال‌های اخیر، آمریکایی‌ها، انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها برای تضعیف نفوذ و اعتبار منطقه‌ای ایران، روی اخراج سپاه پاسداران از منطقه متمرکز شدند و حتی در عراق، سوریه و لبنان دست به اقداماتی زدند ولی با اقدامات متقابل سپاه علیه خود مواجه شده و به یأس مطلق رسیدند. امروز کار آمریکا در سوریه به جایی رسیده است که از ارتش سوریه علیه نیروهای محدود نظامی خود در شرق این کشور بیمناک است و به ارتش سوریه پیغام داده که من کاری به شما ندارم شـــما هم کاری به نیروهای من نداشته باشید. در عراق نیز که زمانی در اشغال بیش از ۱۷۰ هزار نیروی نظامی آمریکا بود، کار آنان به جایی رسیده که وقتی سفیر آنان در بغداد یک توییتی علیه ایران می‌نویسد به وزارت خارجه عراق فراخوانده می‌شود که این یکی از عجایب سیاسی زمان ماست. آمریکا از اخراج سپاه هم به یأس رسیده است و در همین دو هفته اخیری که ترامپ برای نجات نتانیاهو از شکست در انتخابات اخیر اسرائیل، سپاه پاسداران را در لیست تروریزم قرار داد، سه پیام مغایر این اقدام صادر کرد! اول پنتاگون یک ساعت پس از قرائت بیانیه روز دوشنبه پمپئو علیه سپاه به وال استریت ژورنال گفت ما هرگز سپاه را همسان القاعده ندانسته و علیه آن اقدام نظامی نمی‌کنیم؛ دوم وزارت خزانه‌داری آمریکا که در مرداد ۹۶ سپاه را وارد لیست تحریم کرده بود، یک روز پس از صدور بیانیه دوشنبه پمپئو اعلام کرد ما تعیین‌کننده مصادیق نیســـتیم و این کار به کشورهایی ربط دارد که طرف معامله با سپاه هستند که این به معنای عقب‌نشینی ستاد جنگ اقتصادی آمریکا بود؛ سوم یک هفته بعد از صدور بیانیه دوشنبه پمپئو، کاخ سفید اعلام نمود، هیچ خارجی طرف قرار داد با سپاه را مجازات نخواهد کرد. این هم یک یأس دیگر.

آنچه گفته شد در عین اینکه فهرستی از شکست سیاست‌های زورمدارانه آمریکاست، در عین حال فهرســـت بلند بالایی از پیروزی جمهوری اسلامی عدالتخواه نیز می‌باشد و چه دقیق رهبر معظم انقلاب اسلامی فرمودند که ما سختی‌های راه را پشت سر گذاشته‌ایم و آنچه پیش روی ماست شرایط بهتر و آسان‌تری است.

اما هنوز دشـــمن در یک نقطه به طور جدی مشـــغول کارزار است و آن فشار اقتصادی بر جمهوری اسلامی اســـت. دشمن در جمع‌بندی خود که رد پای صهیونیست‌ها و بعضی مترفین منطقه‌ای در آن مشاهده می‌شود، اقتصاد را پاشنه آشیل جمهوری اســـلامی می‌داند و گمان می‌کند می‌تواند از این راه جمهوری اسلامی را از حرکت انقلابی خود باز دارد. اما آیا ایران از نظر اقتصادی، واقعاً ضعیف است؟ سؤال دقیق‌تر این اســـت آیا ایران در مقایسه با اکثریت کشـــورهای جهان که به حیات خود ادامه می‌دهند، ضعیف به حساب می‌آید؟ نگاهی به بزرگی سرزمین ایران، تناسب جمعیت آن به بزرگی سرزمین، تنوع اقلیمی، فرهنگ قناعت، همبســـتگی ملی در مواجهه با مشکلات اقتصادی و سازوکارهای توسعه، منابع انسانی دانش‌پایه و... می‌گوید نه، ایران از نظر اقتصادی حتی از اکثر کشورهای اروپایی قوی‌تر است. حال باید سؤال دیگری طرح کرد، آیا آمریکایی‌ها نمی‌دانند ایران در برابر فشار اقتصادی قدرت مقاومت دارد و آن را از سر رفع می‌کند؟ به نظر این قلم، پاسخ مثبت است یعنی آمریکایی‌ها که بر دستگاه‌های عریض و طویل اطلاعاتی و سیاسی متکی هستند و به اطلاعات داخلی ما نیز - متأسفانه - دسترسی دارند، به خوبی می‌دانند که نه اقتصاد ایران ضعیف است و نه مردم ایران در فشار اقتصادی غیرقابل رفعی قرار دارند. پس آمریکا به واقع دنبال چیست؟

واقعیت این است که آمریکایی‌ها روی «شکاف اجتماعی» در داخل ایران حساب کرده‌اند و از اهرم اقتصادی برای فعال‌سازی شکاف‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. فراموش نکرده‌ایم که در سال ۱۳۹۶، آمریکایی‌ها در تحلیل‌های خود می‌گفتند منتظر شـــورش فرودستان و شهرستان‌های دوردست ایران باشید؛ شـــورش‌هایی که لایه به لایه به مراکز استان‌ها و سپس به پایتخت می‌رسند و کار نظام را یکســـره می‌کنند! مگر فراموش کرده‌ایم که جان بولتون با همین تحلیل می‌گفت فشارهای اقتصادی ما فقرای جامعه ایران را به میدان می‌آورد و دقیقاً از همین رو بود که بعضی تئوریسین‌های شناخته شده که پیش از این از شکاف طبقه متوسط با حاکمیت سخن گفته و معتقد بودند مطالبه آزادی بیشتر، حکومت ایران را با چالش بی‌مهاری مواجه می‌گرداند، در یکی - دو سال اخیر روی تحلیل‌های قبلی خود خاک کشیده و از قریب‌الوقوع بودن شورش فرودستان و تهیدستان سخن گفته و خواستار همراهی همگنانشان با این شورش‌ها شدند.

بله دشمن گمان می‌کند فشار اقتصادی به شکاف اجتماعی در ایران منجر می‌شود و آنچه جمهوری اسلامی را ساقط می‌کند نه خود تحریم‌های اقتصادی بلکه آثار اجتماعی ناشی از آن است. اما باز باید بگوییم جمهوری اسلامی برای حل این مســـئله مستأصل نیست هر چند دست‌هایی در داخل که وظیفه حل گره‌ها داشتند و تا حدی مسئولیت‌های خود را وانهادند، سعی می‌کنند به کمک آمریکا و انگلیس بیایند و راهبرد شکاف در جامعه ایران را عینیت ببخشند اما جمهوری اسلامی امکانات زیادی در عرصه‌های مختلف اقتصادی و سیاسی و اجتماعی دارد از سوی دیگر مردم دقیقاً می‌دانند هدف آمریکا ربودن گوهری گرانبها از دستان ایران است.

در نقطه مقابل شـــکاف، همبستگی و مدارای ملی قرار دارد الان زمان آن اســـت که مردم و حکومت بیش از پیش به هم نزدیک شوند. دشمن باید بداند حکومت ایران یکپارچه است و رخنه جدی در آن ممکن نیست. ما باید بدانیم که یک ملتیم و گروه‌های اجتماعی باید بدانند که با دشـــمن واحد مواجه‌اند. حمایت گروه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی از سپاه پاسداران در برابر توطئه اخیر آمریکا نشان داد جامعه ایران درک روشنی از وقایع دارد و دست‌های آن در وقت لازم درهم گره می‌خورند.

سعدالله زارعی

گزارش خبری تحلیلی کیهان

ردپای یک شبکه خزنده در شهادت مظلومانه طلبه همدانی

سرویس سیاسی-

در موضوع شهادت مظلومانه طلبه همدانی، رد پای یک شبکه خزنـــده و تکرار خط رســـانه‌ای تابستان ۹۷ دوباره دیده می‌شود. شـــبکه‌ای که «مأمور» شده تا در اوج درگیری ایران و آمریکا، ماجرا را «جناحی» کننـــد و با کمرنگ کـــردن «سیاســـت مقاومت و استکبارستیزی» و تعریف خشونت از آن، پروســـه «انفعال» را در فاز جدیدی قرار دهند.

طی ۷۲ ســـاعت گذشته تاکنون، دست‌به‌دســـت شـــدن اخبار و تصاویر مربوط به شـــهادت روحانـــیِ همدانی و به‌ویـــژه عکســـهای مربـــوط به وی، فرزندان و حال و هوای خانه و خانواده این شهید مظلوم در صفحات توییتر و اینستاگرام و دیگر شبکه‌های مجازی و موبایلی، موجی از تأثر و تألم را در فضای اجتماعی به‌وجود آورده است.

پس از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی مبنی بر ضرورت «برخورد جدی با عوامل ناامن‌کننده فضای مجازی»، بسیاری از کاربران شبکه‌های اجتماعی ضمن همدردی با خانواده طلبه مظلوم همدانی و اعلام انزجار از قاتل، خواهان برخورد جدی دستگاه قضایی با عوامل و مســـببان این حادثه شدند. گفتنی است یکی از موضوعاتی که در صفحات اینستاگرام بازنشر شده و مایه ترس و تعجب افکار عمومـــی را فراهم آورده، تصاویر مربوط به صفحه قاتل شـــرور و به نمایش گذاشتن چندین اسلحه در صفحه اینستاگرامش و رجزخوانی‌های او قبل و بعد از انجام این جنایت است. از ســـویی «محاکمه مهناز افشار»؛ هم هشتگی است که پس از قتل روحانیِ همدانـــی، در شـــبکه‌های مجازی داغ شده است.

نکته قابل تأمل و البته تأسف‌آور این است که بررسی اخبار پیرامون این ماجرا نشان از رد پای یک شبکه خزنده ومرموز در همنوایی با اپوزیســـیون و بیگانه دارد که از سال گذشته با مطرح کردن «سوءاســـتفاده زائران عراقی از زنان ایرانی»، دســـت به شایعه‌سازی و نفرت‌پراکنـــی زد و امروز نیز ضمن آدرس غلـــط‌دادن برای انحراف افکار عمومی و به سیاســـت بـــردن ماجرا، مبنی بر اینکه «خشـــونت نداشـــته باشیم» وقیحانه عنوان می‌کند «قاتل واقعی، بخشی از جریان اصولگراست!»

اکنون ســـؤالاتی که متبادر ذهن می‌شود این اســـت که آغاز ماجرا چه بوده و متهمین ردیف اول این حادثه چه کسانی هستند؟ نقش فضای مجازی و برخی سلبریتی‌ها و همکاران و ماموران ســـرویس‌های بیگانه در این خصوص چیست؟ و آنکه دســـت به خشونت و خشن‌پروری می‌زند چه کسانی هستند؟ آنچـــه در پی می‌آید گزارشـــی در این خصوص و رد پای این شـــبکه مرموز در شـــهادت مظلومانه طلبه همدانی و مواردی از این دست است.

آغاز ماجرا و ردپای شبکه‌خزنده در تابستان ۹۷

تابســـتان ۹۷ بود کـــه در فضای تحریم‌هـــای آمریکا علیـــه جمهوری اســـلامی ایـــران، دولت عـــراق که با کمـــک رزمنـــدگان ایرانـــی در جبهه مبـــارزه بـــا داعش درگیر بـــود، اعلام کرد با تحریم‌های یکجانبه علیه ایران مخالف است. بعد از آن بود که هشتگ «همبســـتگی با ایران» توسط کاربران عراقی داغ شد.

ســـرویس اطلاعاتی بیگانه که این همبســـتگی و همدلـــی بیـــن ایران و عراق به مـــذاق آنها خوش نیامده بود، دســـت به کار شـــد و بـــا خط‌دهی به رســـانه‌های زنجیره‌ای داخلی دست به وارونه‌نمایـــی و مخدوش‌ســـازی زد تا جایی‌که اوایل شهریور ماه ۹۷ بود که رسانه‌های مدعیان اصلاحات و به ویژه روزنامه‌های شرق، شهروند و خبرگزاری ایسنا و ... بطور تعجب‌برانگیزی «شایعه سوءاستفاده زائران عراقی از زنان ایرانی» را منتشر کردند. این خبر در رسانه‌های اصلاح‌طلبان و شبکه‌های خبری داخلی و خارجـــی به‌طور گســـترده‌ای بازتاب داشـــت تا جایی‌که بسیاری از کاربران مجازی و سلبریتی‌هایی که رگ غیرت نداشته‌شان را به این و آن نشان میدادند به «شایعه» سوءاستفاده از زنان ایرانی واکنش نشـــان داده و به ســـیاه‌نمایی پرداختند.

شـــایعه‌پراکنان کـــه گویـــا مأموریت‌شان تمام شـــده بود، پس از آنکـــه با تنظیم چندین خبر، گفت‌وگو و گـــزارش بـــه ماجرا شـــدت و حدّت بخشـــیدند، مورد بازخواست نهادهای نظارتـــی و امنیتی قرار گرفته و مجبور به تکذیب و بعضاً حذف آن از خروجی رسانه‌های خود شـــدند، اما کار از کار گذشته و بذر دروغ را کاشته بودند.

شایعه‌سازی در ادامه خط تابستان ۹۷ زمینه قتل روحانی همدانی

پس از حضور نیروهای حشدالشعبی در مناطق سیل‌زده ایران که به منظور امدادرســـانی صورت گرفـــت، برخی سلبریتی‌ها و جریانات سیاسی به انتقاد پرداختند و حتی ۲ نماینده اصلاح‌طلب مجلس شورای اسلامی در حساب خود در توییتـــر با حضور نیروهای بســـیج مردمی در عراق مخالفت کرده و عنوان کردند: «حضور حشدالشعبی در ایران مغایر قانون اساسی است». حتی علیرضا رحیمی، دیگـــر نماینده اصلاح‌طلب و عضو فراکســـیون امید خواســـتار ارائه گزارش وزیر کشـــور و توضیحات وزیر خارجه ایران درباره حضور حشدالشعبی در مناطق سیل‌زده شد.

پس از این بود که جریان وابســـته به ضدانقلاب خارج‌نشـــین در راستای ســـیاه‌نمایی علیه حشدالشـــعبی و در ادامه خط تابســـتان ۹۷، در شبکه‌های مجازی دست به ایجاد حسابهای جعلی زدند و با شایعه‌پراکنی و دروغ‌پردازی بـــه نام یک طلبه (که در عالم واقعیت، هویتـــی خارجی نداشـــت) صفحه‌ای مجازی ســـاخته و به دروغ ادعا کردند یک روحانـــی، فتوای «جهاد نکاح» در خدمت حشدالشعبی برای زنان ایرانی را داده است!

بعـــد از پا گرفتن این شـــایعه، بر دامنـــه انتقادات از حشدالشـــعبی در فضای مجازی افزوده شد. مهناز افشار، هنرپیشـــه معلوم‌الحال هم که پیش از این حواشی زیادی را در فضای مجازی ایجاد کرده بود (به ویژه در بحث ازدواج کودکان یا تبلیغ داروی غیرمجاز) یکی از سلبریتی‌هایی بود که به دروغ و شایعه جریان وابســـته به ضدانقلاب دامن زد و با بازنشـــر کردن صفحـــات مربوط، به عقده‌گشـــایی و تحریک احساسات عمومی پرداخت.

هشتگ و کمپین «محاکمه مهناز افشار»

قابل توجه آنکه، پس از قتل روحانیِ همدانی، ویدئویی در شبکه‌های مجازیِ منتشر شد که در آن، فردی (که به نظر می‌رســـد یکی از دوستان قاتل است) ضمن تأیید اقدام وحشـــیانه ضارب، از وی تشکر می‌کند، اما نکته قابل تأمل آن است که اظهارات این فرد اشاره‌ای به فتوای ساختگی همان حساب جعلی دارد که چندی پیش از ســـوی مهناز افشار مورد توجه قرار گرفته بود.

از این‌روســـت که کاربران مجازی به‌صورت فردی و گروهی در حساب‌ها و کانال‌های خود با هشتگ «محاکمه مهناز افشـــار» و راه‌اندازی کمپینی با عنوان «مهناز افشار را محاکمه کنید» به حاشیه‌سازی و بسترسازی وی برای جرم‌هایـــی نظیر قتل طلبـــه همدانی واکنش نشان داده‌اند.

ابعاد حقوقی محاکمه ناامن‌کنندگان فضای مجازی

با توجـــه به فضـــای پیش‌آمده و گسترده شدن دامنه تأثیر این جنایت در اذهان عمومی و حوزه‌های اجتماعی، پیگیـــری حقوقی تحریـــک و تهییج افکار عمومی و به فرموده رهبر معظم انقلاب، «برخورد جدی با ناامن‌کنندگان فضای مجازی» یک ضرورت مســـلم و انکارناپذیر است.

اینکه چگونه «قتـــل» می‌تواند حلقـــه آخر زنجیره ناامنی در فضای مجازی باشد و چه عواملی بسترساز و تسهیل‌کننده این جرایم هستند، نکاتی است که متخصصان حقوقی و دستگاه‌های متولی امنیت و قضا باید به آن پاســـخ دهند اما مواد قانونی چنان صریح و بدیهی است که هیچ عقل سلیمی در لزوم عملی کردن آن تردید به خود راه نمی‌دهد.

فارغ از نظریات موجود در دکترین حقوقی درخصـــوص فـــروض تقـــدم و تـــأخر اســـباب متعـــدد در وقـــوع جنایت و به ویژه «تسبیب در جنایت»، «سبب اقوی از مباشر» (مباشر معنوی) و اثر «اکراه»، «اضطرار»، «جهل» و «غرور» در آن که بایســـتی در تـــرازوی نقد و بررســـی متصدیان قضایی کشور قرار گیرد مـــواد قانونی صریحـــی در این خصوص به چشـــم می‌خـــورد که اگر از نظـــر خوانندگان بگـــذرد خالی از لطف نیست.

ماده ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ میگوید: «تســـبیب در جنایت آن اســـت که کسی سبب تلف شـــدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مســـتقیماً مرتکب جنایت نشـــود به‌طوری که در صورت فقدان رفتار او، جنایت حاصل نمی‌شد، مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند».

بقیه در صفحه ۱۱

خبر ویژه

صادق خرازی: اشتباه کردیم آب و نان مردم را به برجام گره زدیم

یک دیپلمات ارشد دولت اصلاحات تصریح کرد وصل کردن آب و نان مردم به برجام، یک اشتباه استراتژیک بود.

صـــادق خرازی که از حامیان برجام به شـــمار می‌رفـــت، درباره محل زندگی‌اش گفته اســـت: من در مرز بین قیطریه و شمیران زندگی می‌کنم، در تهران متولد شدم و امیدوارم که همسایه‌های من از من ناراضی نباشند، نمی‌توانم خودم از خودم تعریف کنم.

دبیر کل حزب ندای ایرانیان در گفت‌وگو با رادیو تهران و در پاســـخ به این پرسش که به نظرتان بزرگنمایی دستاوردهای اقتصادی برجام ناشی از نگاه ســـاده‌انگارانه بود یا با هدف سیاسی انجام شد؟ اظهار کرد: برجام یک واقعیت است، ما وارث یک فعل و انفعالاتی در جهان پیرامون‌مان بودیم که این برجام به یک باره با تحولات ژئواســـتراتژیک در منطقه صورت گرفت و خاســـتگاه جهانی ما را تغییر داد، لذا ما باید اینها را درک کنیم و بپذیریم آن جاهایـــی که من مخالف بودم. ما در برخی جاها یک غلوهایی کردیم و این باعث یک سری درگیری برای ما شده است. دقیقا همان زمانی تلقی و تصورشان بر این بود که همه چیز به برجام وصل است و آب خوردن مردم را به برجام وصل کردند و این به نظر من یک اشتباه استراتژیک است، در حالی که ما نباید این کار را می‌کردیم ما در حقیقت باید با صلابت و قدرتمندانه روی مواضع انقلابی خودمان پافشاری می‌کردیم. اینجا در مذاکرات برجام جایگاه مردم کجا قرار داشت؟ باید با مردم صادقانه صحبت کنیم و به مردم بگوئیم در این زمینه‌ها اشـــتباه کردیم و اگر اشتباه نمی‌کردیم امروز خیلی دستاوردهای زیادی هم نداشتیم مردم ما نمی‌خواهند ما را محاکمه کنند.

وی گفت: مردم از ما یک چیز می‌خواهند و آن هم اینکه صادقانه درباره چالش‌هایشان و گرفتاری‌هایشان صحبت شود، آن چیزی که در مناسبات برجام مهم است این که ما خیلی از مسائل را به برجام وصل کردیم، نه نان مـــردم به برجام وصل بـــود و نه آب مردم به برجام وصل بود. من به عنوان کسی که در طول مذاکرات برجام قبل از اینکه این دولت سرکار بیاید و بعد از به ســـرکارآمدن این دولت در زمانی که مذاکرات در اروپا انجام می‌شود تا روزی که مذاکرات به نتیجه رســـید در کنار دوســـتان بوده‌ام، مفاهیمی که آنها در زندگی‌شـــان داشتند را من خوب درک می‌کردم، اما نکته مهم اینجاســـت که ما چقدر به برجام کمک کردیم که بتوانیم مدیریت بحران کنیم. ما در ماجرای برجام مدیریت بحران نکردیم این‌ها نکاتی اســـت که به نظر من باید به عنوان دستاوردهای انقلاب، بزرگان آن را بررسی کنند.

وی در پاسخ به این پرسش که در صفحه اجتماعی‌تان درباره جنجالی که بعد از سلفی گرفتن نمایندگان مجلس با خانم موگرینی رئیس کمیسیون سیاســـت خارجی اتحادیه اروپا صورت گرفـــت، یک واحد آموزش پروتکل رفتار و اخلاق جمعی برای نمایندگان مجلس تدارک می‌دیدید که وجاهت نمایندگان محترم دســـتمایه نقد قرار نمی‌گرفت، شـــما این پیشنهاد را به عنوان ایده شـــخصی مطرح کردید یا چنین تجربه‌ای در بقیه جاهای دنیا وجود دارد؟ افزود: این ایده شـــخصی من است که آن را تجربه هم کرده‌ام، شما می‌خواهید در جامعه‌تان مردم نقش داشته باشند شما می‌خواهید در جامعه‌تان مجلســـی داشته باشید که معتبر باشد، این کشور کشور حافظ و سعدی و فارابی است، ایرانی‌ها در زایش و رویش تاریخ اندیشه و علم نقش اساســـی داشـــتند وقتی ما صحبت از این می‌کنیم رفتار ما هم باید با آنها آمیخته باشـــد. مردم این‌ها را نمی‌پذیرند که یک کسی به عنوان خردمند سیاســـی و متفکر و صاحب اندیشـــه رفتاری از خودش نشان دهد که این رفتار باعث سنجش و صدمه روحی شما شود همان اندازه که باید منطقی رفتار داشـــته باشـــند از گوهر خودبینی و تضاد و دوگانگی خارج باشد و به مبانی رفتاری و اعتقادی که خودشان باور دارند برسد و فکر کند این برای مردم ما یک ارزش است کار بسیار زشتی بود که در مجلس صورت گرفت وقتی که همه شروع به سلفی گرفتن کردند.

چرا تهدیدهای تیم ظریف و عراقچی بر عکس از آب درمی‌آید؟

مدیران ارشـــد وزارت خارجـــه از اقدام مقابلـــه‌ای در قبال بدعهدی و خباثت‌های آمریکا حرف می‌زنند اما رفتار آنها متأسفانه پشتوانه گفتارشان نمی‌شود و همین می‌تواند از اعتبار مواضع آنها کم کند.

سیدعباس عراقچی معاون وزارت خارجه در دیدار اعضای گروه دوستی پارلمان اتریش و ایران، انتقاد از سیاســـت‌ها و اقدامات اروپا در قبال توافق هسته‌ای تأکید کرد: صبر و تحمل ایران نامحدود نیست و ما با ارزیابی جامع از شرایط حاضر و بدون برخوردهای احساسی، به زودی واکنش مناسب به اقدامات غیرقانونی آمریکا را اتخاذ خواهیم کرد.

وی تصریح کرد: مـــا به اندازه کافی فرصت و زمان برای جبران تبعات خروج آمریکا از برجام ارائه کرده‌ایم و اکنون دیگر زمان عمل فرا رســـیده است. ما از مواضع سیاسی اتحادیه اروپا استقبال می‌کنیم، اما حمایت صرفاً سیاســـی هیچ کمکی به ادامه برجـــام نمی‌کند. برجام یک توافق اقتصادی نیســـت و ماهیت امنیتی دارد و اگر برای اروپا اهمیت دارد باید هزینه‌های حفظ آن را هم بدهند.

آقای ظریف نیز اخیراً درباره واکنش ایران به تحریم‌ها و تهدیدهای آمریکا به خبرگزاری صدا و سیما گفت: انتخاب‌های جمهوری اسلامی متعدد است، مقامات کشـــور در حال بررسی آن هستند، حسب اینکه چگونه اقدام شود انتخاب‌های متعددی است و خروج از NPT یکی از آنهاست.

یادآور می‌شـــود مقامات وزارت خارجه قبلاً تهدید کرده بودند که اگر آمریکا برجام را نقض کند و خارج شود، ایران نیز خارج خواهد شد اما یکی دو ماه مانده به تصمیم نهایی ترامپ، پالس‌هایی از سوی مقامات وزارت خارجه صادر شد که از ماندن در برجام به هر قیمت حکایت می‌کرد؛ همین مسئله موجب اطمینان خاطـــر آمریکا و بی‌هزینه تلقی کردن نقض عهد یکجانبه در برجام شد. به نحوی که لغو تحریم‌ها از سوی آمریکا زیر پا گذاشته شد و اجرای تعهدات یکطرفه ایران ادامه پیدا کرد.

متأســـفانه تهدیدهـــا و اعتراض‌های وزارت خارجه بـــه اظهار نظرهای دیرهنگام محدود شده و در عمل به اصطلاح خودشان از سقف پرتاب کردن خودکار و فشار ایمیلی و... بالاتر نرفته است و این در حالی است که آمریکا و غرب بیش از ما به برجام نیاز داشتند.

مشاور خاتمی: لیست امید با ریزش جدی رأی روبرو خواهد شد

مشـــاور خاتمی، عضو شـــورای مشـــورتی اصلاح‌طلبان بدون اشاره به مســـئولیت این شورا و خاتمی در چینش لیست امید می‌گوید اعضای این فراکسیون اهل تحول نیستند و عملکرد قابل قبولی نداشته‌اند.

عبداله ناصری در گفت‌وگو با روزنامه آرمان و در پاسخ به این سوال که «ارزیابی شما نسبت به تأثیر عملکرد فراکسیون امید مجلس و شورای شهر پنجم در اعتماد مجدد افکار عمومی به اصلاح‌طلبان در انتخابات اسفندماه چیســـت؟» گفت: عملکرد فراکسیون در مجموع قابل قبول نیست. معدود افرادی در این فراکســـیون حضور دارند که وظایف‌شـــان را به‌خوبی انجام داده‌اند، البته جای تقدیر دارد. اما فراکســـیون امید به‌عنوان یک تشکیلات تا به‌حال چندان منشـــأ اثر در تصمیم‌گیری‌های مجلس دهم نبوده است و این موضوع تأثیرگذار در اقبال عمومی است.

وی می‌افزاید: شاید بتوان نحوه عملکرد شورای شهر پنجم تهران را مانند فراکسیون امید مجلس بین اعضا تفکیک کرد لذا مدیریت شهری تهران حوزه بسیار حساسی است و حتی می‌توان آن را فراشوراى شهری دانست. اتفاقاتی که طی دوســـال گذشـــته در ارتباط با انتخاب شهردار افتاد تأثیرات منفی را متوجه شـــورای شهر تهران کرد. در ورود آقای نجفی مشاهده کردیم که پست مدیریت شهرداری تهران را تمام کانون‌ها زیرنظر داشته و با حساسیت آن را دنبال می‌کردند، اگر به انتخاب اول شورای شهر، کانون‌های بیرون از حوزه مدیریت شهری و شورای شهر اجازه ادامه کار می‌دادند، امروزه حتما بعد از دوسال می‌شد کارنامه روشنی از شهرداری تهران وشورای شهر نشان داد. ارزیابی مردم از شـــورای شهر متصل به عملکرد مدیریت شهری تهران اســـت. آقای نجفی خوب شروع کرد، اما به‌لحاظ شرایطی که برایش پیش آمد نتوانست ادامه دهد و از سمت خود کنار رفت. آقای افشانی هم مشمول قانون عدم به‌کارگیری بازنشســـتگان شد و نهایتاً پیروز حناچی موفق شد بر کرســـی شهرداری تهران بنشیند. این سه جابه‌جایی باعث شد که کارها برزمین بماند و وقفه‌ای در تمرکز بر مدیریت شـــهری ایجاد شـــود و به‌طور طبیعی ارزیابی‌ها را نسبت به عملکرد شورای شهر تحت‌الشعاع قرار دهد.

وی خواستار شرط‌گذاری(!) اصلاح‌طلبان برای انتخابات شد و گفت: اگر این شرایط از سوی اصلاح‌طلبان مطرح نشود و تحت هر شرایطی بخواهند وارد عرصه انتخابات شـــوند، باریزش رأی بسیار جدی مواجه خواهند شد. ریزش آرای اصلاح‌طلبان همان هشـــداری است که رئیس دولت اصلاحات در دیدار با فراکســـیون امید در اســـفندماه مطرح کرد و به‌نحوی تلویحاً به فراکسیون امید گفت که عملکرد ضعیفی در مجلس داشته‌اند و این عملکرد ضعیف بر رأی مردم در انتخابات اسفند۹۸ تأثیرگذار خواهد بود.

ناصری می‌گوید: آشـــکار است که فراکسیون امید بیش از آنچه که در این ســـال‌ها از خود بروز داده نمی‌توانـــد کاری انجام دهد تنها معدودی از اعضای فراکســـیون امید نطق‌ها و روشنگری‌های خوبی داشته‌اند که آن‌هم بـــه عملکرد فردی آنها باز می‌گردد و آن را نمی‌توان به پای فراکســـیون و کارجمعی نوشت.

گفت و شنود

تجربه!

گفت: آقای عراقچی گفته است «به‌زودی واکنش مناسب به اقدامات غیرقانونی آمریکا خواهیم داشت»!

گفتم: چند سال است که همین جمله و مشابه آن را تکرار می‌کنند ولی از اقدام مناسب خبری نیست!

گفت: چه عرض کنم؟!

گفتـــم: اول گفتند اگر آمریکا به تعهدات خود عمل نکند ما هم تعهداتمان را نادیده می‌گیریم، بعد که آمریکا از برجام خارج شد گفتند به اروپا دو هفته مهلت می‌دهیم تا تکلیفش را با برجام روشن کند، بعد گفتند دو ماه فرصت می‌دهیم و...

گفت: الان هم که یکســـال گذشـــته و هنوز هیچ اقدام متقابلی انجام نداده‌اند!

گفتم: از طرف پرســـیدند کی بدهی ما را می‌دهی؟ گفت؛ هروقت پول داشـــتم! گفتند کی پولدار می‌شوی؟ گفت؛ هر وقت سر کار رفتم! گفتند کی سر کار می‌روی؟ گفت؛ هر وقت تجربه پیدا کردم! گفتند کی تجربه پیدا می‌کنی؟ گفت؛ وقتی سرکار نرفته‌ام از کجا تجربه پیدا کنم؟!

نکته

آبشخور این شبکه کجاست؟!

۱- بعد از شـــهادت مظلومانه طلبه همدانی، برخی از عوامل بدســـابقه و آلوده به وطن‌فروشی که می‌دانستند نفرت‌پراکنی آنان در ارتکاب این جنایت نقش غیرقابل انکاری داشته است، در اقدامی غیرمنتظره که به وضوح از شتابزدگی و دستپاچگی آنها خبر می‌داد به میان آمده و کوشـــیدند تا از یکسو، با پیش کشـــیدن این گزاره که رفتار و مواضع بخشـــی از فلان جناح سیاسی (اصولگرایان!!) عامل این جنایت بوده است، از خود رفع اتهام کنند! و از سوی دیگر با القای این توهم که جنایت یاد شده ناشی از گسترش خشونت‌طلبی! در جامعه است به مراجع قضایی و اطلاعاتی آدرس غلط داده و مسیر تحقیق و بررسی ماجرا را به بیراهه بکشانند و در نتیجه مانع از پیگیری جنایت و کشف عوامل پشت صحنه آن بشوند!

**۲- آقای عباس عبدی که همکاری با سازمان‌های آمریکایی برای زیر سؤال بردن اقدام دانشجویان پیرو خط امام در تسخیر لانه جاسوسی را در ســـابقه خود دارد (ماجرای عذرخواهی از باری رو